سیدهاشم سدید
۳۱/۱۲/۲۰۱۶

نظری مختصر به دورهٔ امانی و مقایسهٔ آن با دولت و فضای موجود!

خبر رفتار خشونت آمیز با هموطنان اهل هنود و سکهـ ما، که شرح آن در یکی از نوشته های آقای امینی آمده است، و داد و فریاد دولت و حامیان بیرونی آن که یکی از دلائل حضور خویش در افغانستان را استقرار دموکراسی و تأمین و دفاع از حقوق بشر وانمود می کنند، مرا وادار بدان ساخت تا نگاهی مختصری به دوران پادشاهی شاه امان الله خان مرحوم و نظریات نیک و انسانی وی در قبال حقوق، برابری و آزادی های مردم، بخصوص در قبال حق و حقوق و آزادی های اقلیت اهل هنود کشور، بیندازم؛ و دوران زمامداری وی را با دوران زمامداری کرزی ـ غنی، با آن که از نظر زمانی کم و بیش نود سال این دو دوره با هم تفاوت دارند، و قاعدتاً طی این مدت دراز تحولات در کشور ما باید در جهت مثبت واقع می شد، با هم مقایسه کنم.

برداشت من با یک نگاه مختصر این است که این دو دوره از بسیاری جهات اصلاً قابل مقایسه نیستند ـ به خصوص در زمینهٔ برابری میان اقلیت هائی که در کشور زندگی می کردند و زندگی می کنند. به زندگی اهل هنود با آنچه آقای امینی نوشته نگاه می کنیم؛ اما قبل از آن باید به این حقیقت اشاره کرد که آزادی های اهل هنود و سکهـ در هر دوره ای بعد از دورهٔ پیشین، به جائی این که بهتر شود، بد و بدتر شده است. زندگی این دو اقلیت مذهبی آرام و مطیع قانون و صلح دوست از نظر حق و حقوق، برابری های سیاسی ـ مدنی ـ قضائی ـ شغلی ـ مذهبی ـ اجتماعی از دوران پادشاهی امان الله خان مرحوم تا امروز به جای این که به سوی بهبودی درحرکت باشد، رو به خرابی گذاشته و روز به روز سخت تر شده است.

نوشته ای که در پورتال فخیم و عالی افغانستان آزاد ـ آزاد افغانستان به قلم آقای امینی عزیز نشر شده است، به خوبی گویای این مطلب می باشد:

«اهل هنود طور سیستماتیک مورد تبعیض و حق تلفی قرار می گیرند. عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانهٔ اهل هنود را به تاراج برده از آن خود کرده اند. شکایت اهل هنود به مقامات دولت مستعمراتی به جائی نمی رسد، زیرا تاراجگران خود در مسند قدرت تکیه زده اند و به شکایات این مردم اصلاً گوش نمی کنند. متعصبان دینی گاهگاهی به منازل اهل هنود حمله کرده و آنها را اذیت می نمایند. بدتر از این که این عملکرد ضد بشری را مباح می دانند. پس چطور ممکن است که این اقلیت بتواند در صلح و آرامش در افغانستان زندگی نماید و حیات بی تکلیفی را سپری کند. این اقلیت حتا یک نماینده در شورا ندارد که مدافع آنها باشد. روی همین ملحوظ است که هندو های افغانستان دسته دسته این کشور را ترک می گویند...»

اگر تاریخ حرکت خود برای ارزیابی زندگی اهل هنود در افغانستان را از زمان پادشاهی مرحوم امان الله خان مدار اعتبار قرار بدهیم، خواهیم دید که زندگی این هموطنان ما ***واقعاً*** با گذشت زمان، و در هر دوره ای رو به سختی و تیرگی گذاشته و مشکلات آن ها به شکل مستمر افزایش یافته است؛ به جای این که تقلیل یابد. حتی در زمان طالب چنین برخورد غم انگیزی که درحال حاضر با اهل هنود صورت می گیرد، آنگونه که آقای امینی شرح می دهد، دیده نشده است. طالبان می گفتند: غرض از تفکیک هندوان از مسلمانان این است که موظفین "امر به معروف و نهی از منکر" اشتباهاً هندوئی را مسلمان پنداشته مورد مؤاخذه و آزار قرار ندهد. نصب تکهٔ زرد به روی سینهٔ آن ها تنها به همین دلیل تجویز گردیده است.

از روی مشاهدات مردم، غیر از این کار، طالب با همه وحشت و بدوی بودن خویش هیچ وقت به پول و مال و دارائی و ناموس آن ها (همچنان به پول و مال و دارائی و ناموس دیگران ـ یکی از خصائل مثبت طالب) دست نبرده است ـ خلاف افراد و گروه هائی که خود را مجاهد و ولی و قیم مسلمانان افغانستان می نامیدند؛ کسانی که با گرفتن قدرت سیاسی در کشور، نه از مال و خانهٔ سکهـ ها و هندوان دریغ کردند و نه از دارائی و ناموس آن ها!

در زمان ظاهر خان این اقلیت نسبتاً در راحتی به سر می برد، اما با آن هم من به خاطر ندارم که یک هندو یا یک سکهـ در کابینه های حکومت های مختلف آن دورهٔ طولانی اشتراک ورزیده باشد؛ درحالی که در دوران پادشاهی شاه امان الله خان مرحوم حد اقل یک، یا دو وزیر از هموطنان اهل هنود ما در کابینه و در مناصب بالای دولتی حضور داشته است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

آقای امینی نوشته می کند: «عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانهٔ اهل هنود را به تاراج برده از آن خود کرده اند.»
چنین چیزی را ما تنها از زبان آقای امینی نمی شنویم، بلکه صد ها هزار انسان هموطن ما شاهد رفتن از این قبیل مظالم بر هموطنان اهل هنود و سکهـ ما در دوره حاکمیت کرزی ـ غنی بوده و هستند.
چنین کاری نود سال بعد از آن صورت می گیرد ـ آنهم درحالی که فریاد دولت مبتنی بر وجود دموکراسی و آزادی و حقوق فردی و برابری و حقوق بشر و تأمین امنیت و اجرای عدالت و... گوش هفت آسمان را کر کرده است.
آیا در دوران شاه امان الله خان مرحوم چنین کاری می توانست صورت بگیرد، یا کسی چنین چیزی را در جائی خوانده یا شنیده است؟ در قانون (نظامنامه) ذکر شده بود: «مسکن و جای هر فرد و تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصئون بود و هیچکس از جانب حکومت و سائر مقامات و افراد بدون احکام نظامات به خانه شخصی جبراً و بلااستیذان داخل شده نمی توانست.»
دولت، به مثابهٔ یک نهاد ملی و برای ایجاد وحدت میان همهٔ مردم کشور خود را به تطبیق مفاد قانون مکلف می دانست و بر اساس همین حکم قانون و مکلفیت، پا بند به اجرای تعهدات خود بود.
برای این که به برخورد شریفانه و نیک و همسان شاه امان الله خان با همه آحاد ملت بیشتر متوجه شویم، می خواهم تکه ای از نوشتهٔ مرحوم غبار، این مؤرخ برجسته و سترگ کشور را از صفحه 794 کتاب ارزشمند وی، افغانستان در مسیر تاریخ، به عنوان نمونه تقدیم خوانندگان گرامی نمایم:
«دولت ازهمه بیشترمتوجه تحکیم بنیان وحدت ملی افغانستان گردید. وعاقلانه این وحدت ملی را بر محور برادری و حقوق مساوی مردم افغانستان به گردش انداخت... همه افرادی که در مملکت افغانستان می باشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعهٔ افغانستان گفته می شوند... کافه تبعهٔ افغانستان در امور دینی، مذهبی و نظامات سیاسی دولت پابند بوده و آزادی حقوقی شخصی خود را مالک هستند... حریت شخصیه از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است... در مجالس مشوره ولایات قندهار و غزنی و جلال آباد و انجمن معارف کابل، یک یک نفر نمایندگان انتخابی هندو های افغانستان شامل و در امور ادراه سهیم گردیده قید رنگ زرد از دستار و معجر هندو ها با باقیات پول جزیه (طبق فرمان حمل 1299 مساوی می 1920 شاه امان الله خان) مرفوع گردید، و اولاد هندو در مدارس ملکی و نظامی (لیسه های حبیبیه و حربیه) و افسری اردو قبول شد.»
در فرمان دوازدهم ماه حمل سال 1299، که مانند ستاره درخشانی بر جبین دولت این مرد مدبر و انسان واقعی و پادشاه خوب می درخشد، آمده است:
«امر است که هیچکس از هنود را مجبور به مسلمانی نکند. و اگر ثابت شد که در حق او شاهدی ناحق کسی داده بود از شاهد مذکور مبلغ پنجصد روپیه جرم گرفته سه سال زندانی می‌شود.... هر قسم دستار و دریشی که می پوشند بپوشند.... امر است که تماماً مثل حقوق مسلمان‌ها مال ها و حقوق هندوها را محاکم سرکاری غمخواری کنند نه تنها در باب مال دزدی بلکه در جمیع دعوی های حقوق شان به عدالت و مساوات تحقیق کرده شود.»
چنین اقداماتی، نود سال قبل از امروز، از جانب یک انسان مهذب و شریف و ملی که نه از نظر تحصیل با غنی و امثالهم همسری می کرد و نه از نظر دانش، ***شخصیت اول یا دوم جهان بود***، در دورانی که کشور ما و جهان اسلام در تعصب مذهبی و دینی و انواع خشونت فرو رفته بود، از جانبی کسی که از نظر سن خیلی از اشرف غنی کوچک تر بود، کاری بود خارق العاده و غیر قابل تصور و انتظار! فراموش نشود که در آن زمانی نه نهاد های حقوق مدنی وجود داشت، و نه نهاد های حقوق بشری یا سازمان های دفاع از حقوق اقلیت ها در کشور و در جهان!
شمولیت یک یک نمایندهٔ انتخابی هندوان در مجالس مشورتی ولایات را در آن روزگار، با امروز افغانستان که حتی یک نفر نمایندهٔ این اقلیت در مجلس شورای این کشور جا ندارد (تحمل نشد)، مقایسه کنید! از کدام بلندیی فرو غلتیده ایم؛ به چه پستیی!؟ ای وای خدای من!!
حریت شخصی و حق مالکیت همه، خواه هندو و خواه مسلمان و گبر و ترسا و یهود، و برابری، همان گونه که در قانون قید شده بود، واقعاً احترام می شد و مصئون بود و دولت نشان داد که خود در تطبیق و رعایت آن کوشا می باشد!
شاه امان الله مرحوم درعمل نشان داد که به آن چه می گوید، باور دارد و بدان پابند است. انتصاب دیوان نرنجداس به صفت وزیرمالیه دولت امانی، نشان از اعتقاد شریفانه و راسخ این راد مرد شریف و انسان واقعاً ملی به برابری میان آحاد ملت داشت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شاه امان الله خان مردی بود که می خواست با اجرای عدالت و دادن شأن برابر و حقوق مساوی به همه، وحدت عملی و واقعی میان هزاره و تاجیک و پشتون و شیعه و سنی و هندو و سکهـ و یهود و... را، به مثابهٔ یگانه راه نیرومندی ملت و کشور در کشور، به وجود بیاورد؛ مردی که با این دلبستگی و عشق و علاقه اش به مردم، و به عدالت و آزادگی در صدر همه حاکمان این کشور، چه پیش از خود و چه بعد از خود، قرار گرفت.
صداقت وی به آنچه می گفت، یگانه دلیلی بود که هم اهل هنود در جنوبی، هم برادران شیعهٔ ما در مناطق مرکزی و هم مردم شمال و شمال شرق کشور، مظلوم ترین انسان ها در کشور ما، زمانی که آن مرحوم در اثر توطئه های بیگانگان با کمک و سازش دشمنان خاک و مردم و یاری روحانیت ملوث و مزدور و دکاندار، چون مجددی ها مجبور به ترک وطن گردید، نه این که به پشتیبانی وی برخاستند، که تا امروز از وی به عنوان بهترین انسان و محبوب ترین زمامدار کشور یاد می کنند !
دیوان نندلال بهسین یکی از افراد دیگری مربوط به اقلیت هندو بود که به حیث یکی از کارمندان ارشد دفتر شاه مشغول به کار بود.
مقایسهٔ این دو دوره، دوران پادشاهی شاه امان الله خان مرحوم با دوران کرزی و احمدزی، همچنان با دوران نادرخان و ظاهر خان و داوود خان و خلق ـ چرچم و مجددی و ربانی و طالب، از جهات عدیده اصلاً قابل قیاس نیست.
شاه امان الله نعمتی بود برای خاک و مردم افغانستان که سوکمندانه مردم قدر وی را ندانستند؛ نعمتی که شاید هیچ وقت مردم ما دو باره به داشتن آن مفتخر نشوند؛ حداقل از دو منظر: یکی زمان، و این که دههٔ دوم و سوم قرن بیست، زمان زمامداری وی، از هیچ نگاه با دههٔ دوم و سوم قرن بیست و یک قابل مقایسه نیست، و دو این که برنامه های او همه زادهٔ افکار و نیات خود او و رفقای ملی گرای افغانی اش بود، درحالی که برنامه های کرزی ـ غنی پدیده های وارداتی هستند که بعد از یازدهم سپتمبر 2001 روی دست گرفته شده اند، نه آرزو ها و برنامه های حاصل از تمایلات ناب و ملی کسانی، مانند عبدالله و غنی و کرزی و همکاران و همفکران شان که اصلاً نه به فکر ملت اند و نه به فکر کشور!
منابع:

سایت افغانستان آزاد ـ آزاد افغانستان

افغانستان در مسیر تاریخ، غبار مرحوم

سایت همبستگی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ